

بلغارستان

در طول دوران کمونیستی در کشور بلغارستان نزدیک به ۹۹٪ از زمینهای کشاورزی به مزارع دولتی و تعاونی تبدیل گردید. از دیدگاه نظری، مزارع دولتی بنگاههایی با مالکیت دولتی بودند که کارکنان را با حقوق ثابت در استخدام داشتند و تعاونیها متشکل از صاحبان زمینها و کارگران اجیر شده بودند. این تناقض در اثر حفظ حقوق مالکیت زمین در مزارع تعاونی و از تغییر شکل تدریجی اعضای به کارگران حقوق بگیر بوجود آمد.

با وجود اینکه وجه تمایز نمابین مزارع دولتی و تعاونی تا سال ۱۹۶۰ مشخص نبود، وقتی اجاره زمین لغو گردید، درآمد تعاونیها تنها براساس فعالیت و نیروی کار اعضاء توزیع شد.

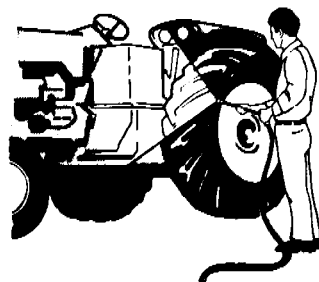
پس از آن در سال ۱۹۷۰ با ادغام مزارع دولتی و تعاونی مجتمعهای بزرگ کشت و صنعت با متوسط مساحت ۲۴۰۰۰ هکتار بوجود آمد. همین مجتمعهای کشت و صنعت مجدداً در سال ۱۹۸۶ به واحدهای کوچکتری تقسیم شده و سپس منحل گردیدند، و سرانجام در نتیجه برنامه اصلاحات ارضی در سال ۱۹۸۹ مزارع جدید تعاونی ایجاد شد.

در ماه جولای ۱۹۹۱ قانون جدید تعاونی بتصویب رسید. براساس این قانون به هر یک از اعضاء تعاونی زمینهایی به مساحت حدود نیم هکتار که در پوشش بخش خصوصی است. جهت کشت شخصی تخصیص داده شد که در مجموع ۱۶٪ زمینهای زیر کشت را شامل می گردد. با این وجود، بخش خصوصی ۲۵٪ تولید ناخالص و همچنین ۴۰٪ مجموع گوشت، میوه و سبزیجات را تولید می کند. در حال حاضر هنوز عرضه کنندگان نهادهها و خریداران محصولات، انحصارات دولتی هستند. تا پایان ۱۹۹۳ تعداد ۱۲۰۵ شرکت تعاونی کشاورزی با ۳۲۹۰۰۰ عضو در کشور بلغارستان تشکیل شده بود که ۷۵۰۰۰۰ هکتار از زمینهای کشاورزی را در اختیار داشته اند. همچنین تعداد ۶۹۵ تعاونی جدید کشاورزی دیگر با ۹۵۰۰۰ عضو در همین سال در شرف تاسیس بوده است.

این تعاونیهای جدید ۲۰٪ از زمینها را کشت می کنند و تعداد ۱۰۴۸۹ نفر کشاورز مستقل ۱/۵٪ از اراضی را زیر کشت دارند. این ارقام گویای آن است که تا نیل به هدف تعاونی راه درازی در پیش است.

مشکل اساسی در حال حاضر بوجود آوردن شرایط برای تخصیص مجدد زمین به کشاورزان عضو تعاونیهای جدیدالتاسیس می باشد. توزیع درآمد ناشی از تولید محصولات کشاورزی پس از واگذاری حقوق مالکیت زمین به کشاورزان و تشکیل تعاونیهای کشاورزی بعنوان یک مسئله بفرنج و پیچیده در کشور مطرح می باشد که حل آن در درازمدت با ایجاد مالکیت در مزارع تعاونی عملی خواهد شد.

توسعه آینده بخش کشاورزی براساس توسعه و پیشرفت موثر مزارع خصوصی کشاورزی و تعاونیهای زراعی عملی خواهد بود. در



تعاونیهای جدید

در بخش کشاورزی

اروپای شرقی و مرکزی

ماخذ: نشریه شماره ۳ ICA.NEWS 1994

مترجم: وجیهاله آصف

مقدمه:

گزارش ماه می ۱۹۹۴ کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا نشان می دهد که میزان تولید محصولات کشاورزی در سرتاسر اروپای شرقی و جمهوریهای سابق شوروی از زمانی که فرایند انتقالی در آن کشورها شروع شد، هر ساله رو به کاهش گذارده است.

علاوه بر شرایط نامساعد جوی که مخصوصاً در سال ۱۹۹۲ خسارات سنگینی را به محصولات کشاورزی وارد آورده، تاخیر در خصوصی کردن زمینها و همچنین بی اعتمادی حاکم بر حقوق مالکیت، کاهش در تعدادی از اقتصادهای در حال گذار داشته است.

کمیسیون منابع مالی کشاورزان و وجود نظام انحصاری توزیع که موجب می شود تولیدکنندگان نتوانند از قیمت بالاتر خرده فروشی منافی را برای خود بدست آورند، از جمله عواملی است که موجب تاخیر در تجدید ساختار کشاورزی و عدم گسترش مزارع خصوصی شده است. شرکتهای تعاونی کشاورزی ۳۶٪ شرکت های عضو اتحادیه بین المللی تعاون (ICA) را تشکیل می دهند. نقش این شرکتها همیشه در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی قابل اهمیت بوده است. گرچه در حال حاضر به دلیل ذهنیت بدی که نسبت به مزارع اشتراکی رژیم کمونیستی گذشته دارند، و در موقعیت مشکلی قرار گرفته اند، خود را تعاونی می نامند. اما هنوز این سؤال مطرح است که آیا تعاونیهای جدید کشاورزی شانس آنها دارند که با تغییر افکار عمومی بتوانند از خصوصیات ویژه تعاون استفاده نمایند؟

کمبود سرمایه و عدم دسترسی تعاونیهای کشاورزی به اعتبار کافی در کشور مجارستان، رقابت آنها را با موسسات بزرگ خصوصی و خارجی که در زمینه صنایع غذایی و کشاورزی فعالیت می‌نمایند دشوار ساخته است. در سال ۱۹۹۴ پارلمان مجارستان اصلاحیه‌ای را در قانون تعاون به تصویب رسانید که طبق آن حق رای هر عضو در شرایط معینی باید براساس سهام وی تعیین گردد.

در نظر گرفتن مقتضیات آن به ۳ الی ۴ واحد تقسیم شود که هر کدام از آنها دارای ۶۰ الی ۱۵۰ نفر عضو داشته باشد. این واحدها اگر چه به نام تعاونی فعالیت می‌نمایند، لیکن شیوه کار آنها شبیه شرکت سهامی است. ثالثاً واحدهای بزرگ زراعی موقعیت خود را با واگذاری سهام به کارگران تغییر داده و بدین ترتیب تشکیلات سازمانی خود را تمام شرکت سهامی و یا تعاونی کشاورزی نامگذاری کرده‌اند. بطور متوسط در هر یک از واحدهای بزرگ این قسمت سوم ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر عضویت دارند.

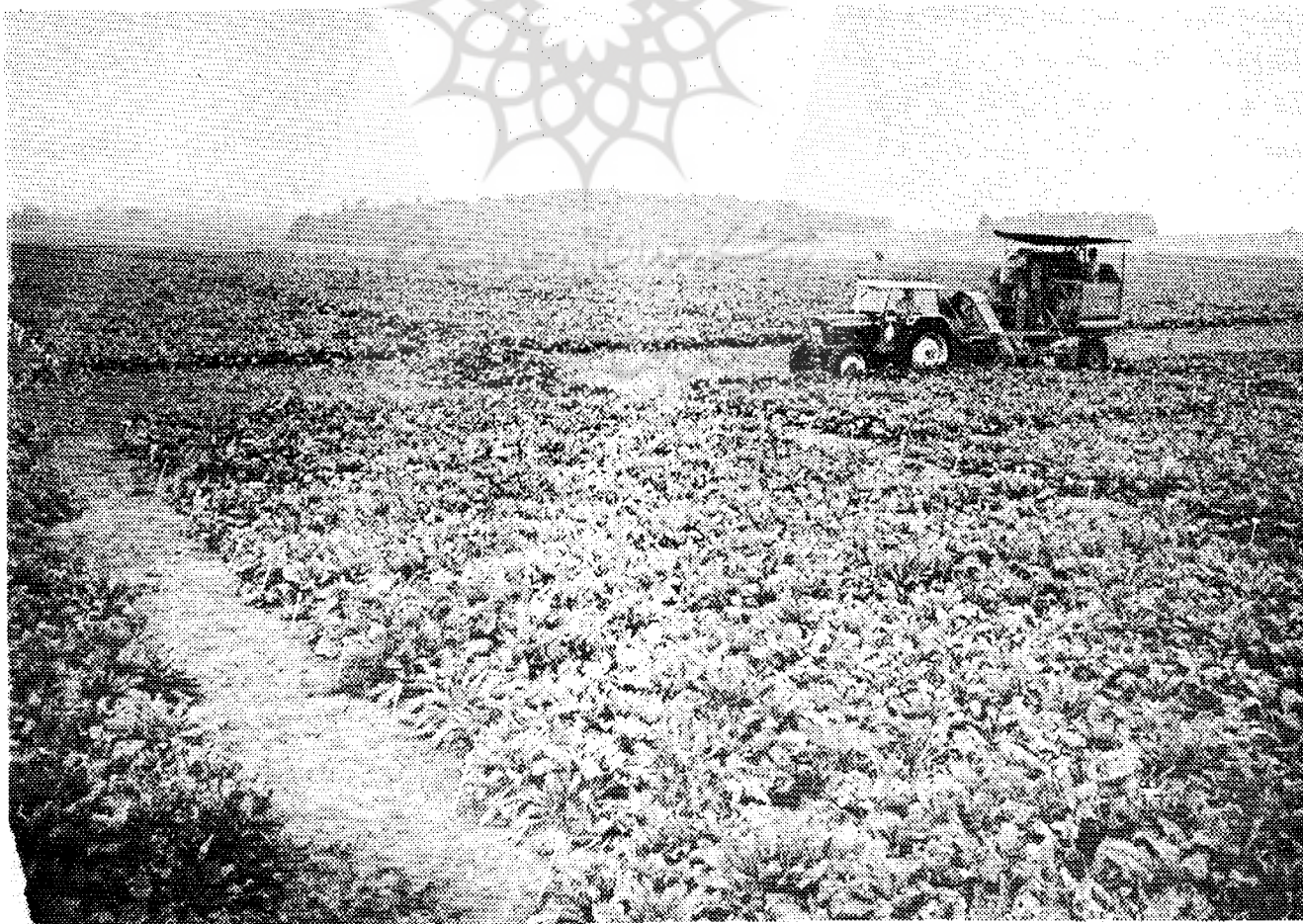
در کشور استونی تمام اقدامات انجام شده حالت موقتی دارد و محض اینکه نحوه مالکیت در زمینهای کشاورزی روشن گردد، تشکیلات موجود با مقررات جدید تطبیق و جابجا خواهد شد. بعلاوه تعداد مزارع خصوصی بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و هم اکنون مزارع خصوصی کشاورزی حدود ۱۰٪ زمینهای زیر کشت کشاورزی

آینده مزرعه تعاونی باید به صورت تعاونی تولید متشکل از اعضا مالک زمین توسعه پیدا کند و حصول به این امر و توسعه بیشتر آن به سیاست و برنامه‌های حمایتی دولت بستگی دارد.

استونی

در استونی تا اواسط سال ۱۹۹۳، کلیه مزارع اشتراکی قبلی خصوصی شده بودند. در قانون سه مورد جهت آنها پیش‌بینی شده بود. اولاً مزارع مربوط به کلخوزهای سابق با توجه به محصولات تولیدی آنها از لحاظ غلات و لبنیات می‌توانستند به ۱۲ الی ۲۰ واحد با ظرفیت ۱۵ الی ۳۰ عضو تقسیم شوند. این واحدها اکثراً اقدام به تشکیل شرکت‌های سهامی نموده و بقیه یک نوع شرکت تعاونی تولیدی تشکیل داده‌اند.

ثانیاً یک مزرعه اشتراکی می‌توانست برحسب موقعیت منطقه و با



تا پایان سال ۱۹۹۳ تعداد ۱۲۰۵ شرکت تعاونی کشاورزی یا ۳۲۹ هزار عضو در کشور بلغارستان تشکیل شده بود که ۷۵ هزار هکتار از زمینهای کشاورزی را در اختیار داشتند. ۶۹۵ تعاونی جدید با ۹۵ هزار عضو نیز در شرف تاسیس بود.

را شامل می‌شود. در این راستا کشاورزان مزارع خصوصی اغلب به تشکیل تعاونیهای تامین و فروش فرآورده‌های کشاورزی خود اقدام نموده‌اند.

به منظور دفاع از حقوق کشاورزان مزارع خصوصی در مقابل کشاورزان مزارع اشتراکی و حمایت از آنها قانونی بتصویب رسیده است که بموجب آن ۵۰٪ اعضا یک شرکت تعاونی را باید افراد تشکیل داده و بقیه می‌توانند از طریق مراجع قانونی به عضویت تعاونی درآیند. از طرف دیگر قانون خصوصی‌سازی، اولویت ویژه‌ای جهت تعاونیهای تولیدی که در خصوصی سازی صنایع غذایی فعال می‌باشند در نظر گرفته است.

دولت استونی به علت وضعیت نامطلوب مالی و فقدان سرمایه با پرداخت هر نوع سوبسیدی به کشاورزان مخالف است. بهمین دلیل قیمت محصولات کشاورزی را بازار تنظیم می‌نماید و در این شرایط تعاونیهای اختیاری برای غلبه بر مشکلاتی که در اثر موقعیت جدید بوجود آمده است تلاش می‌کنند.

اکنون تعاونیهای کشاورزی در استونی مصمم شده‌اند موقعیتی را که تا قبل از جنگ دوم جهانی در اقتصاد ملی کسب نموده بودند مجدداً بدست آورند.

مجارستان

کشاورزی یکی از مهمترین فعالیتهای اقتصادی کشور مجارستان می‌باشد بطوریکه ۱۶٪ از تولید ناخالص ملی مربوط به بخش کشاورزی است. همچنین ۱۶٪ از شاغلین کشور در این بخش اشتغال دارند و ۲۳٪ صادرات ملی کشور را در سال ۱۹۹۰ تولیدات کشاورزی تشکیل می‌داد.

تعاونیهایی که در بخش کشاورزی فعالیت می‌نمایند علیرغم تغییراتی که طی سالهای اخیر در سیستم سیاسی آن کشور بوجود آمده است، هنوز برتری خود را نسبت به فعالیتهای سایر بخشها حفظ نموده‌اند. با وجود این فقط تهیه و فروش ۲۰٪ از فرآورده‌های مواد غذایی مجارستان مربوط به این تعاونیها است.

کمبود سرمایه و عدم دسترسی تعاونیهای کشاورزی به اعتبار کافی، رقابت آنها را با موسسات بزرگ خصوصی و خارجی که در زمینه صنایع غذایی و کشاورزی فعالیت می‌نمایند دشوار ساخته است.

مزارع دولتی و تعاونی تحت شرایط جدید اقتصادی کارایی لازم را ندارند. برابر گزارش مشترک دفتر کار کشاورزی و فائو که در ماه دسامبر ۱۹۹۲ انتشار یافت، بیش از ۶۰٪ از تعاونیهای فعال کشاورزی در سال ۱۹۹۱ متحمل ضرروزیان شده‌اند.

آمار زیر نشانگر وضعیت فعلی سهامداران تعاونیها است: ۴۰٪ اعضای تعاونیهای کشاورزی در شرکت فعال هستند ۴۰٪ بازنشسته ۲۰٪ نیز از عضویت تعاونیها خارج شده‌اند. بنظر می‌رسد که تعداد اعضای فعال تعاونیها علاقمند به افزایش فرآورده‌های کشاورزی در شرکت‌های تعاونی و تنظیم برنامه‌هایی برای اعضا می‌باشند. و اعضا غیرفعال تلاش دارند سهام خود را تا بالاترین حد ممکن برسانند. به منظور ارتقاء ارزش سهام اعضا در تعاونیها پیشنهادی تحت بررسی است که به موجب آن به اعضا فعال اجازه داده خواهد شد سهام افرادی را که از عضویت تعاونی خارج شده‌اند با محاسبه بهره اضافی آنها خریداری نمایند.

در اینجا این سؤال مطرح است که آیا خرید سهام بیشتر توسط اعضای شرکت که اعمال رای آنها بدون در نظر گرفتن مقدار سهام صورت می‌پذیرد و هر عضو فقط دارای یک رای می‌باشد، جذابیت بیشتری دارد؟ بهمین منظور در ماه می ۱۹۹۴ پارلمان مجارستان اصلاحیه‌ای در قانون تعاون تصویب نمود که طبق مفاد آن حق رای هر عضو در شرایط معینی باید براساس سهام وی تعیین گردد.

اگر چه سازمانهای مرکزی تعاون، بعلت نقض یکی از مهمترین اصول تعاون که اعمال یک رای توسط هر عضو صرفنظر از سهام وی تصریح می‌نماید، مخالف چنین اقدامی می‌باشند لیکن در پرتو چنین حمایت‌هایی که پس از برقراری سیستم جدید حکومتی در آن کشور بعمل می‌آید، ممکن است از موقعیت بهتری برخوردار گردند.

لهستان

در کشور لهستان، برخلاف سایر کشورهای کمونیستی، بدلیل عدم ماهیت کامل اشتراکی ۷۶/۴ درصد از کل زمینهای کشاورزی متعلق به کشاورزان خرده پا است و مالکیت ۱۸/۸٪ دیگر دولتی است و فقط ۴/۸ درصد به تعاونیهای کشاورزی اختصاص دارد. مساحت متوسط هر یک از مزارع نمونه در حدود شش هکتار است و در آنها انواع محصولات کشاورزی کشت می‌گردد.

پرورش احشام در کشور لهستان بسیار کم و محدود بوده و مجموع دام و حیوانات کشاورزی از چند راس گاو و گوسفند، خوک و همچنین بز و خرگوش و مرغ و خروس تجاوز نمی‌کند که پرورش همین تعداد نیز جنبه مصرف شخصی داشته و در نتیجه کمکی به درآمد خانوارهای کشاورزان می‌باشد.

در سالهای اخیر بخش کشاورزی لهستان از جریانات اصلاحات سیاسی بشدت آسیب دیده است. افزایش هزینه‌های تولید، کاهش تقاضای داخلی و محدود شدن صادرات و همچنین افزایش حقوق

گمرکی از جمله عواملی هستند که در کاهش تولیدات کشاورزی در شرایط فعلی موثر بوده و از پیامدهای همان تحولات می‌باشد.

عوامل چندی در بوجود آوردن شرایط فعلی موثرند: اولاً بعلت وضعیت بسیار بد اعتباری، اغلب شرکتهای تعاونی گرفتار قرض و بدهکاری شده‌اند که این امر نیز بنوبه خود موجبات از هم پاشیدگی روابط تجاری سنتی و حتی انحلال تعاونیها را فراهم آورده است. ورود بخش خصوصی به صحنه اقتصادی لهستان و رقابت آن با بخش تعاونی، مشکلات دیگری را برای تعاونیها مطرح نموده است، چرا که بخش خصوصی با فعالیت‌های جدید خود از تسهیلات ویژه‌ای برخوردار شده در صورتیکه چنین حمایتی متوجه تعاونیها نیست.

در برنامه ناموفق اصلاحات قانون تعاون که در سال ۱۹۹۰ آغاز گردید، عدم آگاهی و دید روشن نسبت به آینده تعاونیها کاملاً مشهود است. مهمترین مبحث اصلاح شده در این قانون در نظر گرفتن حق ویژه به اعضای تعاونیها در مقابل حقوق بگیران می‌باشد. این اصلاحیه مانع عضویت حقوق بگیران و کارکنان تعاونی در شرکت‌های تعاونی و همچنین عضویت آنها در هیئت مدیره تعاونیها است. مواد ۵ و ۶ این قانون تصریح می‌نماید که فقط اعضاء می‌توانند صاحب سهم باشند و از درآمد تعاونی بهره‌مند شوند.

این قانون که در ماه می ۱۹۹۳ بوسیله مجلسین سنا و قانونگذاری تصویب رسید. مورد مخالفت رئیس جمهور وقت قرار گرفت و اخیراً در انتخابات جدید پارلمان که در سپتامبر ۱۹۹۴ انجام گرفته است،

پس از انقلاب ۱۹۸۹ رومانی، بیش از ۷۰ درصد زمینهای کشاورزی به بیش از ۵ میلیون کشاورز اختصاص داده شد. تقسیم این قطعات کوچک زمین تاثیر نامطلوبی در فعالیتهای کشاورزی رومانی بجا گذاشت.

قبلی تعدادی از نمایندگان منتخب بخش تعاون اقدامات تازه‌ای را در رابطه با فعالیت تعاونیها شروع نموده‌اند تا بتوانند در آینده نزدیک قانون جدید و کاملی را برای شرکت‌های تعاونی تدوین و تصویب نمایند.

مشکلات ناشی از خصوصی‌سازی بخش کشاورزی لهستان با یک سلسله مشکلات سایر کشورهای اروپای شرقی مرتبط است. با وجود اینکه در این کشور هیچ نوع مشکل مالکیت زمین وجود ندارد و شرکت‌های تعاونی تولیدی در مقایسه با سایر تعاونیهای روستایی برای کسب سود بیشتر رقابت می‌نمایند، بخش خصوصی نیز همانند بخش خصوصی سایر کشورها در زمینه‌های خدمات شهری و اجرای طرحهای ساخت انبارها و مکانهای تجاری و فراهم نمودن تسهیلات لازم به منظور حمل و نقل تولیدات کشاورزی فعالیت دارد. قانونی که اتحادیه‌های مرکزی را منحل اعلام نمود، تشکیل تعاونیهای کارگری را خارج از فعالیت‌های متعلق به این اتحادیه‌ها مورد حمایت قرار داد. آمار مالیات‌های ۱۹۹۱ نشان می‌دهد که این عمل موجب افزایش فعالیت‌های تعاونیهای کشاورزی شده است. ذکر این نکته ضرورت دارد که دولت

تعدادی از نمایندگان منتخب بخش تعاون اقدامات تازه‌ای را در رابطه با فعالیت تعاونیها شروع نموده‌اند تا بتوانند در آینده نزدیک قانون جدید و کاملی را برای شرکت‌های تعاونی تدوین و تصویب نمایند.

سطح ملی از آنها وجود ندارد، با وجود این، تحقیقاتی که در سالهای ۱۹۸۹-۱۹۹۳ و بصورت نمونه‌گیری انجام گرفته است حاکی از کاهش اعضای تعاونیها و پایین آمدن سطح اشتغال و محدود شدن تعداد فروشگاهها و طرحهای اجرایی و سقوط حجم خرید محصولات کشاورزی می‌باشد. همچنین وضعیت مالی شرکت‌های تعاونی رو به ضعف گرائیده و بلحاظ اینکه عضویت تعاونیها در سازمانهای ملی در حال حاضر اجباری نیست چند شرکت تعاونی خود را از عضویت در هر نوع اتحادیه‌ای معاف کرده‌اند.

رومانی

بلافاصله پس از انقلاب ۱۹۸۹، تعاونیهای قبلی کشاورزی و سازمانهای عالی آنها منحل اعلام گردید. این امر به این دلیل انجام گرفت تا از مزارع اشتراکی که به شکل کلمخوزهای سابق شوروی ایجاد شده بود اثری باقی نماند و مردم نیز چیزی بیاد نداشته باشند. توجه به خصوصی سازی کشاورزی در کشور رومانی بیشتر به جهت جبران خسارات و غرامت‌های مالکین و صاحبان زمین و دارائی آنها به صورت قبل از غلبه کمونیستها بود.

بدین ترتیب بیش از ۷۰٪ از زمینهای کشاورزی جهت استفاده شخصی به بیش از ۵ میلیون کشاورز اختصاص داده شد. تقسیم این قطعات کوچک زمین، تاثیر بسیار نامطلوب کوتاه مدتی در فعالیت‌های کشاورزی رومانی بجا گذاشت. قانون جدید، شرکتها و اتحادیه‌های کشاورزی مصوب ۱۹۹۱ تشکیل شرکتها و موسساتی متشکل از کشاورزانی که ۴۰٪ زمینهای زیر کشت را در اختیار دارند مورد تشویق قرار می‌دهد. تشکل‌های جدید هنوز بطور کامل به اهداف نهائی خود نرسیده‌اند، و هنوز اثرات منفی از هم‌پاشیدگی نهضت تعاونی کشاورزی کشور رومانی به صورت تولید کم و عدم تکافوی عرضه مواد غذایی جمعیت کشور مشاهده می‌گردد.

به منظور مقابله با این مشکلات، دولت رومانی اقدام به اجرای یک برنامه بازسازی نموده است و احتمال فراوان دارد که در آینده اتحادیه‌های فعلی کشاورزی بتوانند به شرکت‌های تعاونی واقعی تبدیل گردند. به ویژه که اکنون دولت رومانی تصمیم گرفته است منابع مالی مورد لزوم را در اختیار فعالیت‌های کوچک و متوسط قرار دهد.

روسیه

در حال حاضر در کشور روسیه بخش جدیدی متشکل از خانوارهای کشاورزی در مزارع خصوصی بوجود آمده‌اند. این بخش فعلاً مقدار کمی از فرآورده‌های کشاورزی روسیه را تولید می‌نماید و پیش‌بینی می‌شود که در آینده انبوهی از فرآورده‌های مواد غذایی از طریق مزارع اشتراکی و دولتی به شکل سنتی خود و یا پس از تجدید سازمان تولید گردد. کشاورزانی که در این نوع مزارع اشتراکی و دولتی تجدید سازمان شده فعالیت نمایند در زمین و دارائی‌ها سهم می‌شوند اما شرایط

در بلغارستان، در سال ۱۹۷۰ با ادغام مزارع دولتی و تعاونی، مجتمع‌های بزرگ کشت و صنعت با متوسط مساحت ۲۴۰۰۰ هکتار به وجود آمد. پس از انحلال این مجتمع‌ها در سال ۱۹۸۹، مزارع جدید تعاونی ایجاد شد.

واگذاری سهام برحسب مقدار زمین و یا ارزش آن هنوز مورد بحث است.

طرح خصوصی سازی مزارع بزرگ دولتی، برنامه بلند مدتی است که به مرور انجام می‌گیرد. تا پایان ۱۹۹۲، ۳۵٪ از کلمخوزها و سولخوزها با مقررات قبلی فعالیت داشته‌اند و ۶۵٪ از آنها با تجدید سازمان، به شکل دیگری اداره می‌شوند. اکثریت کلمخوزها و سولخوزهای تجدید سازمان شده یعنی تعداد ۸۵۵۱ واحد به صورت شرکت با مسئولیت محدود و یا به شکل شرکت‌های مختلط تغییر شکل داده و به فعالیت ادامه می‌دهند. بعضی از آنها به واحدهای کوچکتري تقسیم شده‌اند و در میان آنها تعدادی توسعه پیدا کرده و به نام مزارع مستقل کشاورزی نامیده شده‌اند.

تا اواسط ۱۹۹۳ تعداد ۲۵۰۰۰۰ مزرعه جدید خانوادگی یا مزارعی که بوسیله گروهی از کشاورزان خصوصی اداره می‌شوند، در ۵٪ از زمینها شروع به کشت نمودند. مساحت متوسط هر مزرعه ۴۳ هکتار بود. این مزارع به تشکیل تعاونیهای خدماتی جهت خرید، اجاره، سرویس ماشین‌آلات و تبدیل محصولات کشاورزی بازاریابی و بانکداری اقدام نمودند. تشکیل چنین تعاونیهایی به علت عدم وجود قانون خاصی که آنها را مورد حمایت قرار دهد، غالباً مسئله‌ساز می‌باشد. مزید بر آن، شماره محدود مزارع خصوصی که معمولاً در یک محل وجود دارد، برای حمایت شدن از طریق تشکیل تعاونی، کافی نیست و وجود این در سالهای اخیر بخش مزارع کوچک خانواری بشدت افزایش یافته و برخی از اصلاح‌طلبان براین عقیده‌اند که تشکیل این نوع واحدهای کشاورزی کم هزینه‌تر و مقرون به صرفه اقتصادی است.

اسلواکی

در کشور اسلواکی طی سالهای اخیر رقم تعاونیهای کشاورزی تخمیناً ۵۰٪ افزایش یافته است. در حالی که عضویت در تعاونیها تا ۲۰٪ کاهش نشان می‌دهد. این امر ناشی از تقسیم واحدهای بزرگ به قطعات کوچک است که در واقع مقدار متوسط هر قطعه زمین از ۲۸۰۰ هکتار به ۱۸۰۰ هکتار کاهش یافته است. اهم فعالیت‌های تعاونیها براساس تبدیل فرآورده‌های کشاورزی و بازاریابی آنها متمرکز می‌باشد. در اکتبر ۱۹۹۳ قانون اعاده زمینهای ملی شده به صاحبان زمین تصویب رسید. در حال حاضر بدلیل تغییر تشکیلات تعاونیها، پرداخت بدهیهای سنگین آنها به تأخیر افتاده و پرداخت سوبسیدهای دولتی بشدت کاهش یافته است و بدین ترتیب آینده تعاونیهای کشاورزی بد آینده خط‌مشی کشاورزی و قانون جدید بستگی خواهد داشت.